

## تبیین نقش و جایگاه علمی عایشه بنت ابوبکر در حوزه علوم قرآن و حدیث براساس روایات و منابع تاریخی

افتخار قاسم زاده<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

نویسنده مسئول: [eftekhargasemzadeh@gmail.com](mailto:eftekhargasemzadeh@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۳

### چکیده

با ظهور اسلام و آمدن رسول خدا (ص)، انقلاب فرهنگی و علمی در جامعه ی آن زمان رخ داد و در سایه ی این تحولات علوم مختلفی به وجود آمد، علمی که به دین و قرآن مرتبط بود، یکی از این علوم، علم حدیث بود که به شرح و تبیین آیات قرآن می-پرداخت. شخصیت های زیادی به ویژه صحابه ی رسول خدا (ص) در نقل و رواج احادیث و سنت نبوی بیش از دیگران اثرگذار بودند که از میان این شخصیت ها و چهره های تاریخی، عایشه، همسر پیامبر اکرم (ص) و نیز صحابه ی ایشان، نقش بسزایی را ایفا کرد، به طوری که وی نه تنها در زمان حیات آن حضرت، حضوری چشمگیر داشته، بلکه بعد از رحلت آن بزرگوار نیز از چهره های فعال و در زمینه های مختلف سیاسی و کلامی و حدیثی و علمی از سرشناسان بوده است. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه ای-اسنادی و با بهره گیری از روایات و منابع تاریخی بر آن است تا به نقش و تأثیراتی را که عایشه در علوم قرآن و حدیث داشته است، بپردازد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که عایشه بنت ابوبکر علاوه بر جایگاه اجتماعی و سیاسی ای که در عصر خود داشت، در حوزه ی دانش های متنوعی که به قرآن مربوط می شود نیز در قیاس با دیگر بانوان صدر اسلام حضوری قابل توجه دارد. وی روایات بسیاری از رسول اکرم (ص) نقل کرده و در شمار مکثرین حدیث قرار گرفته است؛ چنانکه در روایات متعدد آمده است بعد از رحلت پیامبر (ص) ایشان مرجع علمی مرد و زن و پیر و جوان و عالم و عموم شد، به طوری که اگر دیگران در مورد مسائل با مشکلی روبرو می شدند به وی مراجعه می کردند و علم مربوط به آن را نزد ایشان می-یافتند. **کلیدواژه:** عایشه بنت ابوبکر، پیامبر اکرم (ص)، علوم قرآن، حدیث.

### ۱-مقدمه

در صدر اسلام، دانش اسلامی منحصر به متن قرآن و سخنان رسول اکرم (ص) بوده، بعداً که علوم زبان و ادب، لغت، صرف و نحو، معانی و بدیع، عروض، سیره، تاریخ، تفسیر و قرائت و فقه و اصول پدید آمد، همه و همه با حدیث توأم بوده زیرا قرائت با سلسله سند به پیامبر (ص) می پیوست و تفسیر چیزی جزء منقولات روایی نبود. تاریخ و سیره، شعبه ای از حدیث بوده که حتی در پاره ای از کتب چون صحیح بخاری از هم تفکیک نشده و آنچه که به نام مغازی و سیره ی تواریخ به تنهایی تدوین گردیده، جزء روایاتی که با سلسله سند نقل می شد چیز دیگری نبود. در علم ادب هم سخنان پیامبر (ص) که سرآمد فصیحای عرب به شمار می-رفت، مورد استشهد عالمان زبان و فنون ادب بود. در دانش کلام، مناظره بین فرق اسلامی، فاصل حق و باطل و متمایز درست و نادرست همان سخنان رسول اکرم (ص) بود، در نتیجه هیچ علمی بدون دانستن حدیث به کمال مطلوب نمی رسید؛ بالاخره حدیث مایه و پایه ی همه ی علوم متداول بود ولی پس از گذشت زمان و تکامل علوم، کیفیت این امتزاج دگرگون شد (مدیر شانه چی، ۱۳۷۹: ۱؛ مدیر شانه چی، ۱۳۷۷: ۶). این ها همه تأثیر حدیث در علوم اسلامی است که به تدریج حدیث به شعبه هایی تقسیم شد و هر یک موضوع علمی قرار گرفت و عالمی در رشته های آن تخصص یافته و به کتابت پرداختند. با وجود این ویژگی ها، حقیقتاً حدیث شایسته اهمیت بوده و هست، زیرا پس از قرآن مهم ترین راهنمای مسلمین در اصول، عقاید، معارف اسلامی، اخلاقیات، احکام فردی و اجتماعی و اخبار وارده از مخازن وحی الهی است که مستقلاً یا به عنوان تشریح آیات قرآن ملاک عقیده و اعمال مسلمین قرار گرفته است (مدیر شانه چی، ۱۳۷۷: ۳). درست است که قرآن مجید، اصول کلی دستورالعمل زندگی و احیاناً

جزئیات ضروری را بیان می کند که رهگشای اصولی است و به منزله ی قانون اساسی ماست اما برای رفع مشکلات جامعه کافی نیست (قربانی، ۱۳۷۸: ۲۴).

علم حدیث به عنوان یکی از علوم شرعیه، از اصول واجب است که اعتناء و توجه کردن به آن از واجبات بوده که برای ضبط و حفظ آن، تلاش بسیاری شده است که این علم در زمان رسول اکرم (ص) هم وجود داشت و دین پایه ی قوی داشت، پس از ایشان هم به عنوان اشرف علوم و برترین آن ها نزد صحابه و سپس تابعین و بعد تابعی تابعین و بعد جانشینانش ادامه پیدا کرد (ابن-اثیر، ۱۴۰۳: ۱ / ۳۹). حدیث برای فهم قرآن ضروری است، به طوری که اگر حدیث و سنت نبود، تعالم اسلام توضیح توضیح داده نمی شد و عمل به قرآن هم تعطیل می گردید و حتی یک حکم با تمام شرایط و خصوصیات از آن استنباط نمی شد زیرا اکثر احکام قرآن برای جمیع خصوصیات مربوط به حکم وارد نشده بلکه تنها برای بیان اصل تشریح بوده است چه بسا حکم واحدی در آن نمی یابیم که تمام خصوصیات آن بیان شده باشد (قربانی، ۱۳۷۸: ۲۵). احادیث نبوی هم چون بیان و شرح قرآن هستند بنابر آنچه که در قرآن آمده است: «و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم...» (نحل / ۴۴)، پیامبر (ص) با سخنانش وظیفه ی تبیین قرآن را بر عهده دارد و چون قرآن دارای حیثیت تشریحی است حدیث هم که توضیح و شرح آن است حکم تشریحی دارد و از این جهت حائز اهمیت است (هم اندیشی مذاهب اسلامی، ۱۳۸۱: ۱۵۷).

بنابراین از آنجا که علوم مختلف در سده های نخستین صدر اسلام رنگ حدیثی داشت و همه چیز در قالب حدیث نقل می شد و این خود محوری برای همه ی علوم بود، پس حدیثی بودن علوم باعث شد که مسلمانان با حدیث و روایان حدیث سروکار زیادی داشته باشند. یکی از این اشخاص، عایشه بنت ابوبکر می باشد که به عنوان خمس پیامبر (ص) و راوی حدیث، در سلسله سند روایان حدیث قرار داشت و احادیث را به پیامبر (ص) وصل می کرد و به عنوان ناقل علوم مختلف که همه و همه در دایره ی حدیث قرار داشتند، بسیار مورد توجه و اهمیت قرار گرفت. حدیثی بودن علوم به خصوص علوم دینی و حضور عایشه در نقل این احادیث از پیامبر (ص) باعث شد که تا این اندازه احادیث عایشه در صدر اسلام حائز اهمیت باشد به طوری که در زمان های بعد هم اهمیتش را حفظ کرده و توسط روایان مختلف سینه به سینه نقل شده و تا امروز مورد توجه عالمان دینی قرار بگیرد، بدین وسیله این توجه و سابقه حدیثی، در روند افزایش احادیث عایشه بسیار تأثیرگذار بوده است. در همین راستا، این پژوهش بر آن است با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه ای و با بهره گیری از روایات و منابع تاریخی بر آن است تا به نقش و تأثیراتی را که عایشه در علوم قرآن و حدیث داشته است، بپردازد. از این رو، تحقیق پیشرو در دو بخش ابتدا نقش و جایگاه عایشه در حوزه قرآن مورد بررسی قرار گرفته و سپس نقش و جایگاه ایشان را در حوزه علم حدیث مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

## ۲. نقش و جایگاه عایشه در حوزه قرآن

### ۲-۱. اهتمام به جمع آوری و تدوین قرآن کریم

آیات قرآن در طول مدت ۲۳ سال به تدریج بر پیامبر (ص) نازل شد و به طور پراکنده در حافظه ی صحابه و نیز در چیزهایی که در آن زمان، نوشتن روی آن ممکن بود، به ثبت رسیده است. بعد از برخی رخدادها، چون جنگ یمامه، ترس از فراموش شدن آیات و یا تغییر ایجاد شدن در آن ها احساس می گردید؛ همین امر باعث شد مسئله ی جمع آوری قرآن و نوشتن آن در یک مجموعه ی مدون مطرح شود. یکی از کسانی که در کنار حضرت و از صحابه ی ایشان بود، ابوبکر پدر عایشه است؛ به دلیل علاقه ی پیامبر (ص) و اهتمام او بر جمع آوری قرآن در زمان حیات، بعد از رحلت ایشان بر این کار همت گماشت. عایشه نیز در زمان حیات پیامبر (ص) تلاش ایشان و اهتمام پدرش را به دلیل کثرت ملازمت و آمد و شد نزد آن بزرگوار می دید، از تلاش خود در جمع آوری آیات قرآن و تدوین آن ها فرو گذار نکرد (سیوطی، ۱۳۸۲: ۱ / ۲۴۲).

عایشه از جمله کسانی بود که شاهد تلقی قرآن از زبان پیامبر (ص) در حین نزول وحی بوده (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۴۱)؛ و از اندک افرادی است که هم زمان با بعثت ایشان، سواد خواندن و نوشتن داشته و جزء معدود زنان با سواد در آن زمان بوده است (رامیار، ۱۳۷۹: ۳۷۹). همچنین بنا بر نقل منابع، وی جزء چهار بانویی بوده که قرآن را حفظ کرده است (دوری، ۱۴۲۷: ۵۰). عایشه با اتکاء به سواد خواندن و نوشتن که در آن روزگار موهبتی خدادادی محسوب می گردید و با توجه به حافظ قرآن بودن و همچنین با مشاهده ی اقدام پدرش، ابوبکر در جمع قرآن، تصمیم گرفت آیات قرآن را جمع آوری کند. گوشه ای از تلاش-ها و اقدامات وی را در این زمینه، می توان در روایات متعدد مشاهده کرد.

شیخ عبدالحسین عیسی در مقدمه ی «المصحف المیسر» درباره ی جمع-آوری قرآن می نویسد: «هنگامی که وحی بر محمد (ص) نازل می شد، نویسندگان وحی را فرا می خواند و وحی را بر آن ها املاء می کرد و دستور می داد این آیه را در فلان سوره و در کنار فلان آیه بنویسند؛ سپس در جایی که تعیین کرده بود، این آیات نوشته شده را قرار می دادند. هنگام مهاجرت ایشان از مکه به مدینه، همه ی این نوشته ها در نزد ام المؤمنین محفوظ ماند» (جلالی نائینی، ۱۳۸۴: ۱۲۱-۱۲۲). بعد از رحلت آن بزرگوار، در زمان ابوبکر به صورت مجموعه-ی تازه ای به نام «صحف» در آمد و در نزد عایشه به امانت سپرده شد و تا زمان عمر هم وی آن ها را نگه داشت (جلالی نائینی: ۹۷). در روایت آمده است که عایشه به برده ی آزاد شده اش، ابویونس دستور داد تا مصحفی برایش بنویسد (رامیار، ۱۳۷۹: ۳۸۷). حمیده دختر ابویونس نیز گوید: «هنگام رحلت عایشه، در میان وسایل زندگی اش، مصحفی را که در آن آیات قرآن جمع آوری شده بود، یافتیم» (هروی، ۱۴۱۵: ۳۳-۳۴). عایشه مانند برخی صحابه، آیات قرآن را جمع آوری کرده و در مجموعه ی

منظمی به نام «مصحف» قرار داده است که به خودش اختصاص دارد، البته گفته شده که مصحف عایشه مانند مصحف عثمان بر اساس زمان نزول تدوین شده است (فیاض، ۱۹۹۹: ۱۹۱). برخی احتمال اینکه مصحف امام علی (ع) از روی نسخه عایشه نوشته شده باشد، پذیرفته و آن را ذکر کرده اند (کوران‌ی عاملی، بی تا: ۳۳۵). کسانی چون ابن ابی داود در کتاب معروف خود «المصاحف» و نیز آیت الله خویی در کتاب «البیان» از مصحف عایشه سخن به میان آورده اند (سجستانی، ۱۴۲۳: ۱ / ۳۶۵؛ خویی، ۱۴۱۶: ۲۰۳). در مواردی که نام مصاحف صحابه را ذکر کرده اند، نامی از مصحف عایشه نیز به چشم می خورد (میر محمدی زرنیدی، ۱۴۲۰: ۱۴۷). بنا بر نقل برخی منابع، عایشه تفاوت چندانی با مصحف کنونی نداشته، تنها در برخی قرائت‌ها با هم اختلاف دارند (سیوطی: ۳ / ۷۳). قابل ذکر است که عایشه در مصحفش، آیاتی پرامون «رضاعه» و مقدار آن آورده است؛ وی معتقد است که این آیات، هنگام وفات پیامبر (ص) تلاوت می شده ولی در قرآن امروزی موجود نیست (نیشابوری، بی تا: ۴ / ۱۶۷؛ سجستانی، ۱۴۱۰: ۱ / ۲۲۴). همه ی اینها شواهدی است بر اینکه عایشه در جمع آوری قرآن و تدوین آن اقدامات و تأثیراتی داشته است.

## ۲-۲. قرائت قرآن کریم

عایشه بر اساس برخی منابع، از قاریان صحابه است، ابو عبیده قاسم بن سلام هراتی (م. ۲۲۴ هـ) در کتاب «القرائات» نام قاریان صحابه را آورده که از میان قاریان زن، از عایشه نام برده (زرکشی، ۱۴۰۸: ۱ / ۲۴۲؛ سیوطی، ۱۳۸۲: ۱ / ۲۴۳) که قرائتش را از رسول خدا (ص) یاد گرفته است (رامیار: ۳۸۷). چنانکه ذکر شد، عایشه دارای مصحفی بوده که یکسری اختلاف قرائت با قرآن موجود دارد. البته، در روایات گوناگون، از عایشه قرائت‌هایی را ذکر کرده اند که این خود دال بر تأثیر او در قرائت قرآن است. در کتاب «معجم القرائات القرآنیة» (مختار عمر و سالم مکرم، ۱۴۱۲: ج ۱ تا ۸) را که تمام قرائت‌ها در آن ذکر شده، ۲۶ مورد قرائت از عایشه آورده شده است.

برخی بر این عقیده اند که گرچه این مطالب و اضافات در مصحف عایشه بوده ولی قصد زیادت در آیات قرآن نداشته بلکه آن‌ها را برای تفسیر آیه آورده، یعنی این اضافات در اصل قرآن نبوده ولی عایشه از پیامبر (ص) شنیده است (ندوی، ۱۴۲۶: ۲۳۹). بنابر نقل روایات، برخی این اختلافات را، اختلافات قرائتی نمی دانند بلکه آن‌ها را اختلافات نحوی قلمداد کرده اند (رامیار: ۳۸۷).

## ۲-۳. شأن نزول آیات قرآن کریم

یکی از فایده‌های شناخت اسباب نزول و یا شأن نزول آیات قرآن این است که هر چه بهتر به مراد و مفهوم حقیقی آیه پی ببریم، به دلیل اینکه در لابه لای یک سوره و یا آیه از موضوعاتی سخن گفته که گاهی ذهن برخی را به خود مشغول کرده و به نوعی ابهام ایجاد نموده، حال اگر همین آیه یا سوره ابهام گونه را مورد بررسی قرار دهیم و سبب نزول را کشف کنیم علاوه بر این که ابهام بر طرف می شود به رابطه ی تنگاتنگ میان آیات یک سوره پی خواهیم برد. برخی از آیات قرآن دارای سبب نزول می باشد یعنی عاملی زمینه ی نزول آیات را از حضرت شنیده اند و آن را نقل کرده اند. عایشه، یکی از کسانی است که در این زمینه روایات بسیاری نقل کرده است. به دلیل اینکه وی در طول مدت زندگی خود با آن حضرت بسیاری از اسباب نزول وحی را در حالی که در کنار ایشان حضور داشته مشاهده کرده و یا از خود ایشان شنیده و آن را نقل کرده است (قطب، ۱۴۰۸: ۱۳۰).

با توجه به اهمیتی که شناخت اسباب نزول آیات، در فهم مراد حقیقی آیه داشته، کتاب‌هایی در این زمینه تألیف شده که روایات راویان را نقل می کند. در میان اینگونه روایات، اسباب نزول‌های زیادی از زبان عایشه نقل شده، این خود شهادتی است که عایشه نسبت به سایر صحابه نقش والایی در نقل اسباب نزول آیات، ایفا کرده است. ما در اینگونه کتاب‌ها به دو دسته از روایات برخورد می کنیم یک سری از روایات به شأن نزول‌هایی که عایشه نقل می کند استناد کرده و دسته ی دیگر آن‌هایی اند که عایشه را سبب نزول آیه دانسته اند. در اینجا نخست روایات نقل شده توسط عایشه را در زمینه ی شأن نزول آیات ذکر می کنیم تا از این طریق به اهمیت روایاتش پی ببریم.

سیوطی در کتاب «اسباب النزول» خود که نمونه‌ی جامع‌ای از اینگونه کتاب‌هاست، شأن نزول خاص آیات را از راویان نقل کرده است. با بررسی این کتاب به روایات زیادی از عایشه در مورد شأن نزول آیات رسیدیم که این خود تلاش و اهتمام عایشه را در زمینه ی نقل شأن نزول‌هایی که از پیامبر (ص) شنیده است، نشان می دهد. مجموع روایات زنان راوی در شأن نزول آیات ۳۷ مورد است که از این تعداد ۲۸ مورد آن توسط عایشه نقل شده است (سیوطی، ۱۴۱۰: ۱۰ الی آخر). واحدی نیشابوری نیز روایات منقول از راویان را درباره ی شأن نزول آورده است که از این تعداد روایات از سوی بانوان ۱۸ مورد است که ۱۵ مورد آن را عایشه و دو مورد آن را ام سلمه، یک مورد دیگر هم اسماء بنت یزید ذکر کرده است (واحدی نیشابوری، بی تا، حدیث عایشه: صص ۵۵، ۷۲، ۸۸، ۱۶۰، ۱۶۰، ۱۶۷، ۲۱۱، ۳۷۵، ۴۰۳، ۴۵۲، ۵۰۸، ۵۱۸، ۵۲۲، ۵۵۰، ۵۵۵، احادیث ام سلمه: صص ۱۶۶، ۱۸۵، حدیث اسماء بنت یزید: صص ۱۰۰). علاوه بر کتب خاص اسباب نزول، در تفسیر «مجمع البیان» طبرسی ذیل بحث «النزول» روایت راویان را ذکر کرده که دو مورد از روایات عایشه ذیل «النزول» برخورد می کنیم (طبرسی، ۱۴۰۸: ۵۷۷-۵۸۰).

دسته ی دوم آیاتی اند که عایشه سبب نزول آن‌ها شده است یعنی می توان گفت که نزول این آیات به خاطر عایشه بوده است. این آیات دو گونه اند: نخست آیه ی معروف «افک» (سوره ی مبارکه نور، آیه ۱۱ الی ۲۶) که دارای شهرت بیشتری است و بیشتر مفسران آن را پذیرفته اند؛ دیگری دو مورد از آیاتی است (سوره تحریم، آیه ۴؛ سوره مائده، آیه ۶) که بعضی مفسران سبب نزول آن را عایشه دانسته اند.

## ۲-۴. تفسیر قرآن کریم

یکی از صفات برجسته ی عایشه، احاطه ی ایشان بر علومی است که به نوعی با دین و قرآن در ارتباط است از جمله ی این علوم، علم تفسیر و فقه و حدیث است که او در آن ید طولایی دارد به طوری که او به عالم ترین زنان در تفسیر قرآن و مفسره ی زمانه-ی خود شهرت دارد (قطب، ۱۴۰۸: ۱۱۷ و ۱۲۸؛ نویهض، ۱۴۰۳: ۱ / ۲۵۱). او در ردیف مفسران صحابه قرار دارد و نیز تفسیرش در شمار تفاسیر صحابه شهرت دارد (ذهبی، بی تا: ۱ / ۶۳؛ سیوطی، ۱۳۸۲: ۲ / ۵۸۹). شاید بتوان گفت عواملی که باعث شد عایشه در تفسیر قرآن از علمای شامخ شناخته شود این است که وی از زمان طفولیت، وقتی تلاوت پدرش را می شنید تحت تأثیر قرار می-گرفت و از تلاوت قرآن و شنیدن آن شروع به گریستن می کرد و به همین دلیل بارها مورد آزار و اذیت قریشیان قرار گرفت، بعد از این هم در زمان ازدواج با رسول خدا (ص) وقتی به خانه ی آن حضرت (ص) رفت، در حالی که شاهد نزول آیات قرآن بر پیامبر (ص) و نظاره گر سرازیر شدن عرق از پیشانی حضرت به دلیل شدت وحی بود، بی نهایت متأثر می گشت و تفکر می کرد (قطب، ۱۴۰۸: ۱۲۸). عایشه خود نقل کرده است که وقتی سوره ی بقره و نساء بر پیامبر (ص) نازل شد در کنار ایشان بوده است (ابن حنبل، بی تا: ۶ / ۹۲). وقتی شاهد نزول آیه ای بر ایشان بود، از آن بزرگوار درباره ی معانی و مراد آیه سؤال می کرد و پیامبر (ص) در جواب ایشان، تفسیر آیه را می گفت. بسیاری از معانی آیات و تفاسیرش را از آن حضرت شنید و برای همین تلاش می کرد تفسیر منسجمی از اصول دین در کلیات و عقاید جمع آوری کند و علاقه ی شدیدی به این کار داشت، بارها نزول یک آیه را با آیه ی دیگر مورد مقایسه قرار می داد و به تفسیر آن پی می برد. چنانکه در منابع متعدد ذکر شده از عایشه روایات تفسیری زیادی در دست است (خیامی، ۱۴۱۱: ۱۳۸) که کتب مختلف در این زمینه به خصوص تفاسیر اثری، این روایات را یادآوری و گزارش کرده اند. این روایات تفسیری یا به صورت مشخص و به شکل منظمی در میان تفاسیر آمده اند یا در میان سایر روایات فقهی و غیر آن قابل مشاهده هستند. نسائی صاحب سنن در کتابی به نام «تفسیرالنسائی» تمام روایات تفسیری راویان را در دو جلد جمع آوری کرده است که ۴۵ حدیث تفسیری از عایشه آورده است (نسائی، ۱۴۲۴: ج ۱ / ۱۸۶، ۱۹۹، ۲۱۵، ۲۵۱، ۲۷۰، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۶۰، ۴۰۹، ۴۱۲، ۴۲۷، ۴۴۴، ۶۷۲؛ ج ۲ / ۶، ۹۶، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۳۷، ۱۶۳، ۱۷۵، ۱۸۳، ۲۲۰، ۲۶۹، ۲۹۲، ۳۰۲، ۳۳۹، ۳۶۰، ۳۷۰، ۳۸۲، ۳۹۰، ۳۹۳، ۴۱۷، ۴۳۹، ۴۶۱، ۴۷۰، ۴۹۲، ۴۹۴، ۵۰۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۵۹، ۵۶۴، ۶۲۳، ۶۲۶). یکی دیگر از تفاسیر مهم اثری تفسیر معروف «الدر المنثور فی-التفسیر المأثور» است که پس از مطالعه ی چندین جلد آن به برجستگی روایات عایشه در برابر سایر راویان پی می بریم. در جلد اول از این تفسیر، حدود ۸۰ مورد از روایت عایشه در تفسیر آیات آمده است (سیوطی، ۱۴۱۲: ۱ / ۸، ۱۰، ۱۷، ۲۲، ۴۲، ۵۹، ۸۲، ۹۲، ۹۶، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۵۱، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۹، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۷). در حالی که در مورد زنان دیگر پیامبر (ص) و نیز دیگر راویان زن این تعداد روایت، نمی توان دید. بخاری ۱۸ مورد از روایات تفسیری عایشه را نام برده است (بخاری، بی تا: ۵ / ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۸۴، ۱۵۵، ۱۹۹، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۷، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۱، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۹). طبری نیز در تفسیرش از روایات تفسیری عایشه در ذیل آیات استفاده کرده است (طبری، ۱۴۱۸: ۱ / ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۷۰).

## ۲-۵. فقه و آیات الاحکام

عایشه، از بزرگان فقههای صحابه است به طوری که ایشان در فتوا دادن در شمار عالم ترین زنان فقیه قرار دارد، در میان بزرگان صحابه، هرگاه با مسئله ی فقهی برخورد می کردند عایشه با فتوایش به آن ها پاسخ می داد، زیرا او در استنباط احکام فقهی و شرعی جدیت داشت، به همین دلیل او را «فقیهه» یا «مجتهده» نام نهادند (قطب، ۱۴۰۸: ۱۳۷). در منابع مختلف اهل سنت، ربع احکام شرعی را از آن عایشه دانسته اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲ / ۲۶۵؛ واحدی نیشابوری، بی تا: ۴ / ۱۱؛ نویهض، ۱۴۰۳: ۱ / ۲۵۱). پس از بررسی تاریخ دگرگونی فقه و بر آمدن فقها، در می یابیم که عایشه، در ردیف فقههای صحابه قرار دارد و از او در کنار «مالک بن انس» و «شریح قاضی» و «عبدالله بن-عمر» که از بزرگان فقهایند، نام برده شده است (گرگی، ۱۳۷۵: ۶۷-۷۱؛ جمعه، ۱۴۱۵: ۱۴۲). یکی از دلایل برجستگی فقهی عایشه، اختلاف فتاوی او با سایرین است. در دلیل این اختلاف گفته-اند: چون عایشه با پیامبر (ص) زیر یک سقف زیسته و با مسائلی در سایه زندگی با آن بزرگوار مواجه شده در حالی که دیگر فقیهان آن را ندیده و نشنیده اند (دخیل، ۱۴۰۹: ۵۷۹). البته قابل ذکر است که مراجعات بسیار زیاد صحابه و تابعین به عایشه برای فهم برخی احکام شرعی، دال بر احاطه ی او بر فقه و دین است و در اکثر موارد اگر افراد با مشکلی مواجه می شدند آن را از عایشه می پرسیدند، وی نیز بسیار دقیق و کامل جواب می داد (ابوشقه، ۱۴۱۵: ۲۰۸-۲۱۱). ایشان نه تنها به سئوالات آنان پاسخ می داد، بلکه در مواردی هم که از صحابه و تابعین خطا یا سهوی در روایاتشان چه از لحاظ ضبط و چه از لحاظ تأویل می دید، شدیداً به رد نظراتشان و یا انتقاد از آن-ها می پرداخت و ایرادهای روایاتشان را با ارائه ی فتوای خود، رفع می کرد (عاملی، ۱۴۱۵: ۱ / ۸۱). فتواها و اجتهادات عایشه در مدارس آن زمان نیز رسوخ کرد به طوری که آثار تدریس این فتواها و اجتهادات، در کلیات دین برای تاریخ عرب و مسلمین آشکار است (استانبولی، ۱۴۱۷: ۵۶).

عایشه از تلاش گران پر کار عرصه های روایات و فتوا بوده و در میان سایر امهات المؤمنین به گونه ای برجسته و تعیین کننده در فقه معروف بوده که از دیگر زنان پیامبر (ص) غیر از ایشان در فتوا و روایت کسی را نمی شناسیم. قطعاً زنان دیگر اندک روایاتی را نقل کرده اند، در حالی که فتواهای عایشه از



با نگاهی به رجال و اساتید کتب اهل سنت از جمله صحاح شش-گانه، به چهره‌ی شاخص عایشه، بر می‌خوریم که حاکی از نقش والای ایشان در حوزه حدیث می‌باشد. البته تعداد روایات ایشان نسبت به تعداد روایات راویان مرد کمتر است ولی در میان محدثان زن، بیشترین احادیث به او اختصاص دارد. عایشه، به عنوان کبیره‌ی محدثات عصر خویش و نابغه‌ی صحابیات در ذکاوت و دانایی یاد شده است (عک، ۱۴۲۴: ۹۶)؛ که از یک طرف در نقل حدیث در میان بانوان حائز رتبه‌ی اول است و از سوی دیگر روایات بخش عمده‌ی آن‌ها را با واسطه یا بی‌واسطه به وی باز می‌گردد چرا که ایشان از نخستین چهره‌های آموزش دیده‌ی سال‌های رسالت پیامبر (ص) است (زرکلی، ۱۹۹۲: ۲/ ۱۴۸).

ایشان در مدت کوتاه زندگی با رسول خدا (ص) مطالب و سخنان زیادی از آن حضرت آموخت و نیز مطالبی را از آموخته‌های خود بازگو کرد که می‌توان آن‌ها را در کتب محدثین شیعه و اهل سنت مورد مطالعه قرار داد (صادقی اردستانی، ۱۳۷۷: ۱۹۳). بستر زمانی احادیث عایشه از قبل از ازدواجش با پیامبر (ص) و نیز تا واپسین دم حیات آن حضرت را شامل می‌شود و سپس بلافاصله با خلافت پدرش ابوبکر و پس از وی در زمان عمر و عثمان و تا زمان خلافت امیرالمؤمنین علی (ع) و نیز معاویه ادامه می‌یابد (نک: نووی، ۱۴۱۶: ۲/ ۶۱۶؛ عسکری، بی‌تا: ج ۱ تا ۳). از کارکردها و نقش‌های برجسته‌ی عایشه این است که وی از بزرگان حفاظ سنت رسول الله در میان صحابه به شمار می‌رود و در حفظ حدیث و روایت در شمار مکثرین حدیث قرار دارد (خیامی، ۱۴۱۱: ۱۳۶).

مسند عایشه حدود ۲۲۱۰ حدیث است، بخاری و مسلم بر ۱۷۴ حدیث از آن اتفاق کرده‌اند و از میان این تعداد، بخاری ۵۴ حدیث و مسلم ۶۸ حدیث را تنهایی نقل کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲/ ۱۳۹؛ نووی، ۱۴۱۶: ۱۲/ ۶۱۶؛ زرکلی، ۱۹۹۲: ۳/ ۲۴۰).

### ۳-۲. مشایخ روایی و راویان

عایشه از پیامبر (ص) بسیار زیاد روایت کرده است (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲/ ۱۳۵؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۱/ ۶۰). همچنین از حمزه بن-عمرو الاسلمی، سعد بن ابی وقاص، عمر بن خطاب و از پدرش ابوبکر و از جدامه بنت وهب الاسدی و فاطمه زهرا (س) روایت نقل کرده است (عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۲/ ۴۶۲؛ مزی، ۱۴۱۳: ۳۵/ ۲۲۷). گرچه عایشه از افراد زیادی روایت نکرده ولی افراد زیادی از قبیل اهل بیت پیامبر (ص) و صحابه، موالی و بزرگان تابعی از وی احادیث زیادی نقل کرده‌اند (اصفهانی، ۱۴۱۳: ۲۱۵؛ ابوشقه، ۱۴۱۵: ۲/ ۳۸۴). در منابع، تعداد کسانی که از عایشه روایت نقل کردند، به ۱۰۵ نفر می‌رسند (مزی، ۱۴۱۳: ۳۵/ ۲۲۷؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۲/ ۴۶۲). در اینجا نام چند تن از آن‌ها را می‌آوریم زیرا ذکر نام تمامی آن‌ها، باعث اطاله‌ی کلام می‌شود.

الف) از میان بستگان عایشه: خواهر عایشه ام کلثوم بنت ابی-بکر، عوف بن حارث بن طفیل برادر رضاعیش، دو پسر برادر وی قاسم و عبدالله (دو پسر محمد بن ابی بکر)، عروه و عبدالله (پسران زبیر) و نیز دختر طلحه که دختر خواهرش است از او روایت نقل کرده‌اند (مزی، ۱۴۱۳: ۳۵/ ۲۲۷؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۲/ ۴۶۲).

ب) از صحابه: افرادی چون عمرو بن عاص و ابو موسی اشعری، زید بن خالد جهنی، ابوهیره و ابن عمر، ابن عباس، ربیع بن عمر و جرش، سائب بن یزید و حارث بن عبدالله بن نوفل و ... (مزی، ۱۴۱۳: ۳۵/ ۲۲۷؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۲/ ۴۶۲).

از اکابر تابعین: سعید بن مسیب و عبدالله بن عامر بن ربیع، صفیه بنت شیبه، علقمه بنت قیس، عمرو بن میمون، ابو عبید بن عبدالله بن مسعود، مسروق بن اجدع و عمره بنت عبدالرحمن و ... (مزی، ۱۴۱۳: ۳۵/ ۲۲۷؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۲/ ۴۶۲؛ اولیائی، ۱۳۶۱: ۹۸).

افزون بر این، موارد متعددی را می‌توان نام برد که به عایشه استناد کرده‌اند، نام آن‌ها را باید در مسانید عایشه جستجو کرد (طیالسی، بی‌تا: ۱۹۷-۲۱۲).

### ۳-۳. شاگردان عایشه

عایشه علاوه بر اینکه به نقل روایت متعددی پرداخته، در مکتب علمی خود، شاگردانی نیز آموزش داده که هر کدام روایات بسیاری از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند و از این طریق نقش مهمی را در حفظ احادیث ایشان ایفا کرده‌اند. مشهورترین شاگردان عایشه عبارت‌اند از: عروه بن زبیر و قاسم بن محمد و عمره بنت عبدالرحمن و معاذه عدویه (قطب، ۱۴۰۸: ۱۴۹). بر طبق گزارشی، عالم‌ترین شاگردان عایشه به احادیثش عمره و عروه و قاسم بوده‌اند (نووی، ۱۴۱۶: ۵/ ۵۶). تعداد روایات آن‌ها چنین است: قاسم بن محمد بن ابی بکر ۴۹۹ حدیث و عروه ۲۱۲۵ حدیث و عمره بنت عبدالرحمن ۳۱۰ حدیث و سعید بن هشام عامر مدنی ۸۵ حدیث از عایشه نقل کرده‌اند (نک: خوبی، ۱۴۰۹).

### ۳-۴. امتیازات و ویژگی‌های احادیث عایشه

آنچه احادیث عایشه را از نقل‌های راویان صحابه متمایز می‌سازد این است که قسمت اعظم روایاتش در طول زندگی با پیامبر (ص) و نیز مباشرتش با ایشان نقل شده است در حالی که روایات سایر راویان تا این اندازه درگیرانه و در نشست و برخاست نزدیک با رسول خدا نیست. در نتیجه عایشه در نقل سنت شریفه و نشر آن در میان سایر راویان والاترین بوده، به طوری که قسمت عظیمی از سنت نبوی به خصوص سنت فعلی اش توسط عایشه نقل شده است (قطب: ۱۳۵-۱۳۶).

بنابر آنچه که در سیره‌ی عایشه آمده، دو امتیاز از روایاتش را اینگونه می‌توان بر شمرد:

### ۱. اهتمام عایشه به درایت به همراه روایت (ندوی، ۱۴۲۶: ۲۴۵)

یکی از عواملی که باعث شده احادیث عایشه از بقیه روایات تفکیک شود و نیز متمایز باشد، دقت در فهم و قوه ی اجتهاد و تفقه و استنباط عمیق روایات وی می باشد که در متن روایاتش پیداست. این ویژگی در روایات سایر هم ردیفات عایشه دیده نمی شود جز ابن عباس، آن هم خداوند به دنبال دعای رسول خدا (ص) او را فقیه گردانید.

### ۲. اعتنا و توجه عایشه به بیان حکم و اسباب حکم شرعی (ندوی، ۱۴۲۶: ۲۴۵)

یکی دیگر از مشخصه های روایات وی این است که وقتی او در روایاتش قصد بیان حکمی از احکام شرعی دارد، اسباب وضع حکم و مصالحش را نیز در کنار آن بیان می کند.

### ۳-۵. اصول و مبانی روایات عایشه

به گواهی اهل سنت، در روایات عایشه انتقاداتی به دیگر راویان صحابه وجود داشته، به طوری که اگر به انتقادات او توجه کنیم در می یابیم که ایراداتی به راویان دیگر گرفته که بدون پایه و اساس نیست و اگر اندکی در فتاوها و عقایدش فکر کنیم به این نتیجه می رسیم که وی در روایاتش یک سری اصول را رعایت می کند (ندوی، ۱۴۲۶: ۲۵۰-۲۵۲). رعایت اصولی و مبنایی روایات عایشه، خود عامل برجستگی روایاتش گشته، به طوری که آن ها را از سایر نقل های راویان تفکیک کرده است که برخی از این اصول را در ذیل آورده می شود:

#### الف) عدم احتجاج به سنت در صورت مخالفت با قرآن (ندوی: ۲۵۰)

شاید بتوان گفت که عایشه اولین اصولی را که در فن حدیث، مبنا قرار داده، این است که مبدا حدیثش با کتاب قرآن مخالفت نکند و در صورتی که روایتی را مخالف قرآن می یافت، دیگر نیازی به حدیثی برای اثبات آن نمی دید و چنین روایتی را رد می کرد.

#### ب) وصول به فحوای کلام و لبّ مطلب (همان: ۲۵۴)

از آنجا که عایشه از جمله کسانی بود که از نعمت فهم و ذکاوت و زیرکی برخوردار بود؛ این ویژگی او را در فهم کلام و سنت نبوی یاری کرد تا بتواند لبّ مطلب را در یابد و به مراد حقیقی سنت پیامبر (ص) دست پیدا کند و آن را برای دیگران بازگو کند.

#### ج) شناخت شخصی عایشه از سنت رسول الله (ص) (همان: ۲۵۹)

یکی دیگر از عواملی که عایشه را حامل سنت و علوم نبوی کرد، این است که بنا بر این مثال معروف که «داناترین شخص به اقوال و افعال همسر، زوجه ی اوست» عایشه نیز بیش از دیگران به افعال و کردار و اعمال پیامبر (ص) آشنایی داشت و آن حضرت برای او چون اسوه ی حسنه و نمونه ی کاملی بود، افعال و کردار آن بزرگوار را چون قوانین می دانست و آن ها را نقل می کرد؛ این ویژگی در مورد دیگر راویان وجود ندارد زیرا آنان شناخت عمیق و دقیقی از سنت وی نداشتند.

#### د) تیز هوشی و حافظه ی قوی عایشه (همان: ۲۶۲)

خداوند متعال قوه فهم و حافظه ی نیرومندی به عایشه بخشیده بود، وی نیز حظّ و بهره ی فراوانی از این نعمات برده بود به طوری که وقتی چیزی را از آن بزرگوار می شنید و یا می دید، لا-به لای آن ها آیات را هم حفظ می کرد و احادیث شریفه ای را که در عصر پیامبر (ص) در صبح و عصر و شام از آن بزرگوار می شنید، حفظ و رعایت می کرد و به موقع برای قیام آن احادیث تلاش می نمود و این خود از مسئولیت های عظیم یک محدث است (همان: ۳۶۲).

### نتیجه گیری

عایشه سومین همسر پیامبر اکرم (ص) می باشد که بعد از وفات حضرت خدیجه (س) و پس از ازدواج با سوده، در سن شش یا هفت سالگی در مکه به عقد پیامبر (ص) درآمد و پیامبر در سن نه سالگی یعنی در سال دوم هجرت، زمانی که از جنگ بدر بازگشت با او ازدواج کرد. مدت هشت سال و چندین ماه با پیامبر (ص) زندگی کرد و در سن ۱۸ سالگی وجود مبارک وی را از دست داد. گرچه، عایشه مدت زمان زیادی با آن حضرت زندگی نکرد ولی در این مدت کوتاه، شرافت همسری پیامبر (ص) را یافت که تشرّف به مصاحبت همسری پیغمبر، خود بالاترین درجه ی مصاحبت است. عایشه چه در حال حیات و چه بعد از وفات پیامبر (ص) سرچشمه ی فیاض و پر برکت از سیره و سنت و احادیث ایشان بود، وی این فرصت زندگی با آن حضرت را مغتنم شمرد و از طرفی هم خداوند هوش و ذکاوت بی نظیری به او عطا کرده بود؛ به طوری که توانست صاحب مکان عالیّه ای گردد و سخنان و اعمال و رفتار پیامبر (ص) را که چه با واسطه و چه بی واسطه دیده و شنیده بود به خاطر بسپارد و آن ها را برای مردمان نسل های بعد بازگو کند، او در این زمینه از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. ایشان در طول مدت زندگی با پیامبر اکرم (ص) علوم و معارف زیادی را کسب کرد و از این طریق بعد از رحلت ایشان توانست نقش و جایگاه مهمی در علوم مختلف به خصوص علوم قرآنی داشته باشد؛ چنانکه در روایات متعدد آمده است بعد از رحلت پیامبر (ص) ایشان مرجع علمی مرد و زن و پیر و جوان و عالم و عموم شد، به طوری که اگر دیگران در مورد مسائل با مشکلی روبرو می شدند به وی مراجعه می کردند و علم مربوط به آن را نزد ایشان می یافتند.

## کتاب نامه

\* قرآن کریم.

الف) منابع فارسی

۱. اولیائی، مصطفی، (۱۳۶۱ ش)، تحول علم الحدیث، بی جا: بی-نا.
۲. جلالی نائینی، سید محمدرضا، (۱۳۸۳ ش)، تاریخ جمع القرآن، تصحیح احمد مهدوی دامغانی، چاپ اول، تهران: نشر سخن.
۳. رامیار، محمود، (۱۳۷۹ ش)، تاریخ قرآن، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
۴. صادقی اردستانی، احمد، (۱۳۷۷ ش)، زنان راوی حدیث، چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم.
۵. عسکری، سید مرتضی، (بی تا)، نقش عایشه در تاریخ اسلام، چاپ دوم، بی جا: اتحاد.
۶. علامه حلی، (۱۳۳۳ ش)، منتهی المطلب، مقابله ی حسن پیشنماز، تبریز: نشر حاج احمد.
۷. قربانی، زین العابدین، (۱۳۷۸ ش)، علم حدیث و نقش آن در شناخت و تهذیب احادیث، چاپ سوم، قم: انصاربان.
۸. گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۷۵ ش)، تاریخ فقه و فقهها، تهران: سمت.
۹. مدیر شانه چی، کاظم، (۱۳۷۷ ش)، تاریخ حدیث، چاپ اول، تهران: سمت.
۱۰. هم اندیشی مذاهب اسلامی، (۱۳۸۱ ش)، بی جا: نشر آموزش و پرورش مذاهب اسلامی.
۱۱. یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۰۹ ق)، العروه الوثقی، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه اعلمی.

## ب) منابع عربی

۱۲. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، (۱۴۰۳ ق)، جامع الاصول فی احادیث الرسول، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.
۱۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، (بی تا)، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت: دارصادر.
۱۴. ابن قدامه، محمد بن احمد، (۱۴۰۴ ق)، المغنی و الشرح الکبیر علی متن المقنع، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
۱۵. ابوشقه، عبدالحلیم محمد، (۱۴۱۵ ق)، تحریر المرأه فی عصر الرساله، چاپ اول، کویت: دارالقلم.
۱۶. استانبولی، محمود مهدی، (۱۴۱۷ ق)، نساء حول الرسول والرید علی مفتریات المستشرقین، تحقیق مصطفی ابوالنصر السبلی، بیروت: دار ابن کثیر.
۱۷. اصفهانی، ابوالفرج، (۱۴۱۳ ق)، اخبار النساء فی کتاب الاغانی، تحقیق الامیر مهنا، چاپ دوم، بیروت: الکتب الثقافیه.
۱۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، (بی تا)، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر.
۱۹. جمعه، احمد خلیل، (۱۴۱۵ ق)، نساء اهل البیت، بیروت: بی نا.
۲۰. حمیدی، ابوبکر عبدالله بن زبیر، (۱۴۰۹ ق)، مسند الحمیدی، تحقیق حبیب الرحمن اعظمی، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۱. خویی، ابوالقاسم، (۱۴۰۹ ق)، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، چاپ چهارم، بیروت: مدینه العلم.
۲۲. خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۶ ق)، البیان فی تفسیر القرآن، چاپ هشتم، بی جا: امید.
۲۳. خیامی، امیر مهنا، (۱۴۱۱ ق)، زوجات النبی و اولاده سیره و تاریخ، چاپ اول، بیروت: مؤسسه عزالدین.
۲۴. دخیل، سعید فایز، (۱۴۰۹ ق)، موسوعه فقه عایشه ام-المؤمنین حیاتها و فقهها، بی جا: دارالنفائس.
۲۵. دوری، حفص بن عمر، (۱۴۲۷ ق)، القرائات الوارده السنه و معه جزء فیہ قرائات النبی، تحقیق احمد عیسی معصراوی، چاپ اول، بی جا: دارالسلام.
۲۶. ذهبی، محمد بن احمد شمس الدین، (۱۴۱۳ ق)، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارنوط، چاپ نهم، بیروت: الرساله.
۲۷. ذهبی، محمدحسین، (بی تا)، التفسیر و المفسرون، چاپ اول، بیروت: دارالقلم.
۲۸. زرکشی، بدرالدین، (۱۴۰۸ ق)، البرهان فی علوم القرآن، تصحیح مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۹. زرکشی، بدرالدین، (۱۴۲۵ ق)، الاجابه لا یراد ما استدر کته عائشه علی الصحابه، تحقیق محمد بنیامین، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الرساله.
۳۰. زرکلی، خیرالدین، (۱۹۹۲ م)، الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، چاپ دهم، بیروت: دارالملايين.
۳۱. سجستانی، سلیمان بن اشعث، (۱۴۱۰ ق)، سنن ابی داود، تحقیق محمد اللحام، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
۳۲. سجستانی، عبدالله بن ابی داود، (۱۴۲۳ ق)، المصاحف، تحقیق محب الدین واعظ، چاپ دوم، بیروت: دارالبشائر الاسلامیه.
۳۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۳۸۲ ش)، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه ی سید مهدی حائری قزوینی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.



۳۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۴۱۰ ق)، اسباب-النزول، تصحیح بدیع السید اللحام، چاپ اول، بیروت: دارالهجره.
۳۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۴۱۲ ق)، الدر المنثور فی التفسیر الماثور، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۷ ق)، الخلاف، تحقیق سید جواد شهرستانی، چاپ اول، قم: نشر اسلامی.
۳۷. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، (بی تا)، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن اعظمی، بی جا: المجلس العلمی.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، بیروت: دارالمعرفه.
۳۹. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۸ ق)، جامع البیان عن تأویل القرآن، تحقیق عبدالفتاح خالدی، چاپ اول، دمشق: دارالقلم.
۴۰. طیلالی، ابوداود، (بی تا)، مسند ابی داود طیالسی، بیروت: دارالحديث.
۴۱. عاملی، جعفر مرتضی، (۱۴۱۵ ق)، الصحیح من سیره النبی الاعظم، چاپ چهارم، بیروت: دارالهادی.
۴۲. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، (۱۴۰۴ ق)، تهذیب-التهذیب، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۳. عک، خالد عبدالرحمن، (۱۴۲۴ ق)، موسوعه عظماء حول-الرسول، چاپ اول، دمشق: دارالنفائس.
۴۴. فیاض، نبیل، (۱۹۹۹ م)، ام المؤمنین تأکل اولادها، بیروت: بی نا.
۴۵. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۴۱۴ ق)، الجامع لاحکام القرآن، تحقیق محمد جمیل و عرفان عشا، بیروت: دارالفکر.
۴۶. قسطلانی، شهاب الدین احمد، (۱۴۲۱ ق)، ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر.
۴۷. قطب، محمدعلی، (۱۴۰۸ ق)، عایشه معلمة الرجال و الاجیال، بیروت: دارالقلم.
۴۸. کورانی عاملی، علی، (بی تا)، تدوین القرآن، چاپ اول، قم: دارالقرآن الکریم.
۴۹. مالک بن انس، الموطأ، (بی تا)، تحقیق فؤاد عبدالباقی، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث.
۵۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۵۱. مختار عمر، احمد؛ سالم مکرم، عبدالعال، (۱۴۱۲ ق)، معجم القرائات القرآنیه مع القرائات و اشهر القراء، چاپ دوم، تهران: اسوع.
۵۲. مدیر شانه چی، کاظم، (۱۳۷۹ ش)، علم الحديث و درایه الحديث، چاپ پانزدهم، قم: بهار.
۵۳. مزی، جمال الدین یوسف، (۱۴۱۳ ق)، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، تحقیق بشار عواد معروف، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الرساله.
۵۴. میر محمدی زرنندی، ابوالفضل، (۱۴۲۰ ق)، بحوث فی تاریخ القرآن، چاپ اول، بی جا: نشر اسلامی.
۵۵. ندوی، سلیمان، (۱۴۲۶ ق)، سیره السیده عایشه ام-المؤمنین، تحقیق حافظ محمد ندوی، دمشق: دارالقلم.
۵۶. نراقی، احمد، (۱۴۱۵ ق)، مستندالشیعه، چاپ اول، قم: آل-البيت.
۵۷. نسائی، احمد بن شعيب بن علی، (۱۴۲۴ ق)، تفسیرالنسائی، چاپ دوم، بیروت: الکتب الثقافیه.
۵۸. نووی، یحیی بن شرف، (۱۴۱۶ ق)، تهذیب الاسماء و اللغات، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
۵۹. نوبهض، عادل، (۱۴۰۳ ق)، معجم المفسرین من صدر الاسلام حتی العصر الحاضر، تحقیق حسن خالد، مؤسسه ی نوبهض الثقافیه.
۶۰. نیشابوری، مسلم بن حجاج، (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر.
۶۱. واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، (بی تا)، اسباب نزول الآیات، قاهره: مؤسسه الحلبي و شرکاء.
۶۲. هروی، قاسم بن سلام ابوعبیده، (۱۴۱۵ ق)، کتاب فضائل القرآن، دمشق: دار ابن کثیر.